



میرزا محمد تقی شیرازی دوم، پرچمدار استقلال عراق

محمدتقی شیرازی، میرزای دوم در سال 1256 قمری در شیراز به دنیا آمد و دوران کودکی را در زادگاهش گذراند و آنگاه پدرش او را برای فراگیری علوم دینی به کربلا برد و دروس ابتدایی و مقدمات را نزد افاضل آنجا خواند و در محضر درس فاضل اردکانی حاضر شد و دروس سطح خود را نزد او و سید علی نقی طباطبایی به پایان برد. در سال 1291 با دوست و هم‌مباحثه خود سیدمحمد فشارکی اصفهانی، به همراه میرزا حسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ به سامرا رفت و در مجلس درس میرزا شرکت کرد و از ارکان بحث او گردید و از دانش او استفاده کرد و به همراه سیداسماعیل صدر و سیدمحمد اصفهانی یکی از علمای بزرگ ثلاث، در زمان میرزای بزرگ به شمار می‌رفت. پس از آنکه میرزای بزرگ در سال 1312 درگذشت نظر گروهی از مردم به رهبری دینی و سیاسی او متوجه گردید. او در سامرا به اقامه وظایف شرعی و تدریس و تربیت طلاب پرداخت و اهل علم در محضر درسش حاضر شدند. وی تا 1336 در سامرا اقامت داشت و سپس به کاظمین رفت و مدتی بعد به کربلا رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند و به تالیف، تدریس و تربیت شاگردان خود پرداخت.

ویژگیهای اخلاقی

زهت و قناعت

شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌گوید: "دیدار او انسان را به یاد خدا می‌آورد. رخسار قدسیان را داشت. از کسی چیزی درخواست نمی‌کرد، حتی وقتی تشنه می‌شد خود بلند می‌شد و آب می‌آشامید."

وی در امر خوراک و پوشاک و مسکن خویش بسیار قانع و زاهد بود با وجود اموال فراوانی که از آفریقا، ایران، عراق، عربستان و شیخ نشینهای خلیج و دیگر نقاط به دستش می‌رسید، خانه‌ای استیجاری داشت.

یکی از بزرگان می‌نویسد: "وقتی دیدم پیراهن میرزا وصله‌های زیادی دارد، به فرزندش میرزا عبدالحسین گفتم چرا پیراهن وی این گونه است، با اینکه او زعیم و قائد بی‌نظیر انقلاب عراق است و با موقعیت وی هیچ تناسبی ندارد؟! او در پاسخ گفت: پدرم در شیراز مزرعه‌ای دارد که از اجدادش به او رسیده است. درآمد سالیانه این مزرعه چیزی در حدود صد تومان است. پدر خرج زن و بچه و دیگر مخارج خود را که شامل خوراک و پوشاک و اجاره منزل می‌شود، تنها از این راه تامین کند، و چون این مبلغ نیازمندیهای ضروری خانواده را تامین نمی‌کند پدرم به لباسی کهنه بسنده می‌کند و چیزی دیگری را جایگزین آن نمی‌کند تا از همان صد تومان همه مخارج خانواده را تامین کند."

غیرت دینی

میرزا محمد تقی پیشوای انقلاب عراق و نخستین فروزنده شعله آن، از بزرگترین عالمان و مشهورترین چهره‌های عصر خویش در علم و تقوا و غیرت دینی بود. موضع گیری با عظمت وی در برابر دولت انگلیس در واقعه انقلاب عراق و طلب حقوق بر باد رفته مردم آن دیار، و امر به دفاع و صدور آن فتاوی پر اهمیت که عراق را دگرگون کرد، یکی از آتهاست. این به سبب عظمت این شخص در جامعه و مکانتی که در دل‌های مردم داشت، بود. او بحق هر چه داشت و هر نیرو و امکانی که در توانش بود، در این راه گذاشت، حتی از فرزندان خویش نیز دریغ نورزید، چه در همین جریان بود که پسرش میرزا محمد رضا دستگیر شد.

بردباری و فروتنی

آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی فردی بسیار خویشتن‌دار بود. از وی مشاهده نشد که حتی نسبت به کسانی که درباره او جسارت و بی‌ادبی کردند، خشمگین شود. وی همیشه با نشاط بود و تبسمی بر لب داشت.

خشوع و تواضع وی باعث می‌شد که نگاهش را هرگز به بالا نیندازد. و هنگام تدریس بر فراز منبر به پایین نظر می‌افکند نه به صورت شاگردانش.

صلابت

در برابر دشمن متجاوز و ستمگران، با ابهت و با صلابت بود و حاضر نبود با هیچ یک از سران انگلیسی در هر رتبه ای که باشد، ملاقات کند. نماینده بریتانیا در آن زمان در عراق بنام "سرپرسی کاکس" بارها از وی درخواست ملاقات کرد ولی همواره از جانب میرزا جواب رد شنید. وقتی کاکس از گرفتن وقت ملاقات با او ناامید شد، تصمیم گرفت بدون وقت قبلی ناگهانی با او دیدار کند. وقتی به این عمل اقدام ورزید، نه تنها با خوشامد گویی میرزا مواجه نشد بلکه جناب میرزا با چهره گرفته و آکنده از خشم و نفرت پشت به او کرد و کاکس با حالتی شکست خورده از آنجا خارج شد. عکس العمل میرزا در مقابل او نه به این دلیل بود که کاکس فردی خارجی به شمار می‌آمد، بلکه به این سبب بود که او سرکرده متجاوزان بود.

دوران سیاسی

نجف در جنگ جهانی اول تحت اشغال نیروهای بیگانه درآمده بود، در راه دفاع از هستی و موجودیت خود محل مشورت و رایزنی زعمای اندیشمند و پیشگامان مسلح عشایر و نیز محل تشکیل انجمنهای سیاسی و اجتماعی گردیده بود، در همین مسیر بود که رهبری انقلاب به پرچمداری و پیشوایی مرجع مذهبی، مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی مسیر شایسته خود را پیمود.

میرزای دوم با کمال صلابت و ایمان و در اوج شجاعت دینی و آگاهی و هوشیاری اسلامی در برابر نیروهای استعمار بریتانیا، موضع خود را انتخاب کرد. در آن هنگام، میرزای دوم با

تلاش پرتیر به مقابله و دفاع پرداخت و هنگامی که به مراحل باریک رسید، امر به دفاع از حریم اسلام داد و با صادر کردن فتوای انقلابی و پر همیت خود عراق را تکان داد. آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی فتوای مشهور خود را به نام "فتوای دفاعیه" که مجوزی رسمی برای نهضت مسلحانه مردم عراق بود، بدین صورت صادر کرد: "مطالبه حقوق بر عراقیان واجب است و بر آنان واجب است در ضمن درخواستهای خویش رعایت آرامش و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلستان از پذیرش درخواستهایشان خودداری ورزد، جایز است به قوه دفاعی متوسل شوند."

آیه الله شیرازی به رغم کهولت و ناتوانی جسمی، به انقلاب و امور مربوط به آن بسیار اهمیت می داد. وی برای پیشبرد اهداف مقدس انقلاب عراق و تامین نیازمندیهای جبهه، هر چه از دستش بر می آمد انجام می داد.

از جمله علمای مشهور و مجتهدین بزرگی که در آن جنگ و جهاد ضد استعماری به همراه میرزای دوم شرکت جستند: مرحوم سید محمد طباطبایی، فرزند ارشد آیه الله العظمی سید کاظم یزدی، آیه الله آقای سید مصطفی کاشانی و فرزند برومندش آیه الله سیدابو القاسم کاشانی، آیه الله سید محمد تقی خوانساری، آیه الله شیخ محمد باقر زنجانی و دیگران بودند که هر یک در رهبری نهضت اسلامی پایه گذاری شده توسط میرزای دوم، نقش حساس و تاریخ سازی به عهده داشتند. آنان هفته ها و ماهها در مناطق کوهستانی عراق که سنگر مجاهدین اسلامی بود، در اطراف بصره، عماره، ناصریه و کوت به دفاع در مقابل نیروهای انگلیسی و مبارزه با نیروهای مهاجم پرداختند و از کشور اسلامی عراق حمایت و پاسداری کردند. حمایت آنان در حقیقت تنها حمایت از یک کشور اسلامی نبود، بلکه حمایت از سنگر اسلام بود.

شاگردان و آثار

دقت نظر و ژرف کاوی میرزا در مسائل پیچیده علمی درسش را پر برکت ساخته بود. این ویژگی موجب گشت که از این نابغه میدان علم و اندیشه، شاگردان بسیاری پرورش یابند، شاگردانی که برخی از آنان با اینکه به مرحله اجتهاد رسیده بودند. از جمله شاگردان ایشان: آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی نجفی، آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی، سید جمال الدین موسوی گلپایگانی، آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، آیت الله شیخ محمدعلی شاه آبادی استاد اخلاق امام خمینی و آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی.

میرزا محمد تقی تالیفات علمی بسیاری دارد که بخشی از آن به چاپ رسیده است. از جمله: حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری، شرح منظومه رضاعیه سید صدرالدین عاملی؛ رساله در خلل، القواعد الفاخر فی مدح العترة الطاهرة، حاشیه بر العروة الوثقی و خیره العباد لیوم المعاد.

وفات

در یکی از روزها وقتی آیت الله شیرازی برای خواندن نماز به صحن مطهر امام حسین(ع) می رفت، با تعداد زیادی از جنازه های شهدا که از جبهه های جنگ آورده شده بود، مواجه شد. این صحنه اثر نامطلوبی بر وی گذارد. به طوری که این آخرین روزی بود که وی برای ادای فریضه نماز از منزلش خارج شد. چون وضعیت مزاجی وی بعد از آن رو به وخامت گذاشت و به بستر بیماری افتاد و چیزی نگذشت که دعوت حق را لبیک گفت.

سر انجام در سوم ذیحجه سال 1338 قمری در حساس ترین و بحرانی ترین دوران انقلاب، در کربلا درگذشت. جنازه او در میان شیعیان عزادار عتبات تشییع شد و شیخ الشریعه اصفهانی بر او نماز خواند و در یکی از حجره های زاویه جنوبی صحن حسینی دفن گردید.

منابع

نقباء البشر، آغا بزرگ تهرانی.

ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، تهران، چاپخانه شفق.

بیدارگران اقالیم قبله، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

یکصد سال مبارزه روحانیت، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام.

فقهاء، نامدا، شعبه، عبدالحمید عقیق، بخشایشی، قم، کتابخانه عممه، حضرت آیت الله العظمی، مرعشی، نجفی، خبرگزاری ابنا

سید محمد ناظم زاده قمی